

احتکار از اسباب سقوط دولتها

حمله ارزی از تبعات تحریمها

امیرفیض- حقوقدان

احتکار به معنای دست انداختن روی منابع کم یاب در بازار است. معمولاً احتکار بمنظور کسب درآمد و انباشت ثروت صورت میگیرد؛ ولی تاریخ ایران نشان میدهد که برای تضعیف دولتها از سلاح احتکار بکرات استفاده شده است.

بالارفتن قیمت ارز که درست بموازات خیزش اخیر مردم آغاز شد یکی از تبعات تحریم های آمریکاست با این توضیح:

همانطور که در سنوات گذشته برای سقوط دولتها (نه رژیم کشور) احتکار غلات و یا خودداری از فروش احشام به کشتارگاه ها برای ایجاد ناراحتی و تشویش مردم و احتمالاً مقاومت و ایستادگی در مقابل دولت انجام میگرفت، اکنون نیز همان حربه نسبت به ارزهای خارجی بکار گرفته میشود و با افزایش قیمت ارز بطورمهار گسیخته سبب بحران عظیمی در جمهوری اسلامی خواهد شد؛ زیرا در این قبیل موارد که بانک مرکزی میتواند کمبود ارز مورد تقاضای بازار را از بانکهای دیگر کشورها از جمله بانک بین المللی وام بگیرد، در مورد جمهوری اسلامی بدلیل تحریم ها ممکن نیست و لاجرم میتوان گفت که یکی از اثرات تحریم ها همین افزایش نا متناسب قیمت ارزهاست.

میتوان گفت که آمریکا برای اجرای پروژه افزایش قیمت ارز در ایران، تظاهرات اخیر (دیماه ۱۳۹۶=دسامبر-ژانویه ۲۰۱۸) را لازم داشت و این تظاهرات با افزایش قیمت ارز و ایجاد بحران ارزی لازم ملزوم و پیوسته بهم بوده اند.

زیرا یکی از تبعات تظاهرات و تبلیغات روی آن، تضعیف رژیم و احتمال سقوط آن است و این حالتی است که بسیاری را مشوق به فرار از کشور و تحصیل ارز و تبدیل تومان خود به دلار میسازد و این عمل، بظاهر بهانه اقتصادی افزایش بهای ارز شناخته میشود (قانون عرضه و تقاضا). در حالیکه حقیقت امر این است که عدم تعادل بازار ارز از تبعات و برنامه ریزی های وزارت دارائی آمریکا در مورد تحریم های علیه جمهوری اسلامی است که با سرمایه گذاری بوسیله واسطه های مورد اطمینان خود و خرید ارز در مقادیر بزرگ و کوچک کنترل بازار ارز را برعهده میگرد که گرفته است.

عقیده داریم که بدون تظاهرات اخیر اجرای برنامه تهاجم ارزی ممکن نبود و اگر هم بود به شدت و فزونی اکنون نبود.



خوب بیاد داریم که مقامات آمریکائی در همان روزهایی که تظاهرات اخیر کاملاً فروکش کرده بود اظهار داشتند که باید منتظر اقدامات بعدی آن بود که بنده نفهمیدم مقصود چیست تا حمله ارزی آمریکا شروع شد.

تسلیم دولت، نه سقوط جمهوری اسلامی

همانطور که احتکار مواد خوراکی بویژه گندم سبب ایجاد تنگناهای اقتصادی و رفاهی برای مردم کشور و در نهایت امکان استیضاح و سقوط دولت هاست، نه سقوط رژیم کشور، سیاست تهاجمی ارزی آمریکا در بازار کشور فقط واجد این دستاورد است که دولت روحانی و نیز خامنه ای در برخی از موضوعات مانند تجدید نظر در برجام و یا فعالیت های موشکی و مذاکره نسبت به مسائل دیگر کوتاه بیایند و به هیچ ترتیبی به سقوط جمهوری اسلامی منجر و مربوط نمیشود.

نمونه بین المللی آن

درزیمبابوه قیمت ۳۵ تریلیون دلار آن کشور برابر یک دلار آمریکایی است و درونزئلا که ۵/۳ میلیون بشکه نفت روزانه پشتوانه مالی آن کشور است یک دلار آمریکا بیش از ۱۰۷۰۰ بار در دو سال اخیر سقوط کرده است، معهذ رژیم آن کشورها همچنان پابرجاست.

آنچه که بر ایران می‌رود چه از باب تحریم های نفتی و اقتصادی در جهت تادیب و مهار و مذاکره با جمهوری اسلامی است نه سقوط و براندازی آن. گرانی - قحطی - بیکاری - فقر - فساد - ارتشاء - بیعدالتی - فروش دختر، فروش کلیه و بدن فروشی و فشار هر قدر زیاد باشد سبب برافتادن رژیم نمیشود برعکس آنهم درست است؛ مانند زمان شاه که آسایش و رفاه و سفره های نان و آب و کار و تحصیل مجانی وجود داشت معهذ به سقوط رژیم قانونی کشور منتهی شد؛ **فصل براندازی فصل خاصی است که در وجنات اپوزیسیون اثری از آن دیده نمیشود.**

دستاورد

این تحریر در وضع و حالت کنونی هیچ تحرکی در داخل و یا خارج از کشور که نشانی از مقصد براندازی جمهوری اسلامی در آن باشد، را نمی بیند.

رنگ رخساره نشان میدهد از سر نهان

تظاهرات و رستاخیز هائی که بدون رهبری و تشکیلات و ستاد عملیاتی علیه نظام کشور بر اه بیفتند

خیلی ساده و راحت به انحراف رهبری کشیده و جهت آن در اختیار عملیات نظام حاکم قرار

میگیرد.

(مال بدون صاحب زود صاحب پیدا میکند) مبارزه سیاسی با هدف براندازی بدون رهبری و تشکیلات ممکن نیست.